

به نام خدا

بحث در استثناء بوريا و حصير بود از منقولات که خورشيد مطهر آنها نيست. و گفتند که خورشيد مطهر است

دليل اول عموم روايت پنج و شش باب بود که گذشت و پذيرفتيم

دليل دوم: سه روايت بود که خوانديم يکي از آنها روايت 3 باب 29 بود سه تقريب وجود داشت

اول: اينکه مراد از صلوٰه بر شئء سجده بر شئء است به ضميمه اينکه طهارت مسجد جبهه شرط است به ضرورت و اجماع و به ضميمه اينکه طهارت بواسطه خشک شدن به تنهائي حاصل نميشود.

اشکالاتي به اين تقريب وارد شده است

اشکال اول: مقدمه اول تمام نيست و شاعدي بر آن نيست که مراد از صلوٰه خصوص سجده کردن مراد باشد زيرا واژه صلوٰه که معنايش سجده نيست اگر از کلمه علي بخواهيد استفاده کنيد که صلي عليه اشکالش اين است که در نماز غير از سجده موارد ديگر هم داريم که بايد بر چيزي باشد مثل قيام و تشهد و همچنين خود سجده هم مواضع ديگر غير از جبهه دارد که به لحاظ آنها هم مي تواند گفت صلي عليه. شاهد بر اين مطلب بعض روايات وارد در تشک است : روايت 3 باب 30 سالتة عن ... يکون عليه الجنابه ا يصلي عليه في المحمل

يصلي در اينجا مراد حتما سجده نيست زيرا بر تشک پاک هم باشد نمي شود سجده کرد پس نه مراد سائل و نه مراد امام سجده کردن است پس يصلي عليه اين گونه نيست که ظهور اوليه اش سجده باشد

پس اين اشکال تمام است و وارد است.

اشکال دوم: محقق همداني و محقق حکيم

سلمنا که ظهور روايت و اين واژه را در سجده اما باز هم دلالت تمام نيست زيرا در اينجا که امام مي فرمايند جايز است امر دائر مي شود که تحفظ شود بر ظهور اوليه صلوٰه بر سجده که شما ادعا مي کنيد يا اينکه به قرينه اين که امام مي فرمايند جايز است بفهميم که صلوٰه به اين قرينه به معنای سجده نيست. زيرا اين هم ظهوري است که اگر قرينه بود مي توان دست از آن برداشت.

و وزان اين روايت وزان ح 1 باب 30 مي شود.

... عن البيت و الدار لا يصيبهما الشمس و يصيبهما البول و يغتسل فيهما من الجنابه ...

در اينجا نمي توان گفت که حضرت ميفرمايند با خورشيد پاک شده است زيرا فرض

خودش این است که خورشید نمی تابد و تنها راه این است که بگوییم نماز می خواند بدون اینکه بخواهد بر آن سجده کند.

پس در این روایت چون هر دو احتمال هست اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

ممکن است به ذهن کسی برسد که استشهاد به این روایت مناقشه در آن می شود که منشأ سوال سائل تعاقب امرین است که او می داند که بولی ریخته شده است و مطهری هم ریخته شده است و نمی داند کدام اول بوده است و بنابراین جواب امام اصلاً ممکن است ربطی نداشته باشد با سجده بر موضع نجس

اما اصل حرف درست است که ما مرددیم بین تحفظ بر مقدمه اولی کنیم و در نتیجه مدعای مستدل ثابت شود یا اینکه همین را قرینه بگیریم که اصلاً سوال سائل از سجده نیست به خصوص این که این مسئله مسلمی بوده است.

اشکال سوم: محقق تبریزی مبانی تنقیح عروه ج 3 ص 299 .. کما هو مقتضی قوله علیه السلام فی ...

ایشان فرموده اند که در جبهه اصلاً طهارت شرط نیست.

جواب: این روایت احتمالات دیگری هم دارد علاوه بر این که این روایت در مقابل امر مسلم و اجماع قرار دارد.

بنده هم از شاگردان ایشان سوال کردم ایشان فتوا به این نداده اند که طهارت جبهه شرط نیست.

تقریب دوم: اینکه صلوه خصوص سجده نیست اما مشتمل بر سجده هم هست. و طهارت مسجد جبهه هم شرط است.

اشکال: مقدمه دوم اشکال دارد که اجماع و مسلم بودن طهارت سجده باعث نمی شود که احتمال مستدل درست باشد بلکه ممکن است که مراد امام این باشد که نماز درست است به شرط اینکه سجده بر آن موضع نباشد.

تقریب سوم: این بود که یصلی علیه اطلاق دارد که ولو اینکه بدنت یا لباس مرطوب باشد پس این دلالت می کند که آن مکان پاک شده است و چون مطهری غیر از خورشید این جا مطهری وجود ندارد می فهمیم خورشید آن را پاک کرده است.

اشکال اول: به حکم روایات دیگر می فهمیم که امام منظورشان این بوده است که لباس به شرط این که عامل سرایت وجود نداشته باشد

اشکال دوم: قبلاً گفتیم که جامد خالی از عین نجاست منجس نیست که قدر مسلمش جایی است که این جامد خالی از عین نجاست با جامد خالی از عین نجاست برخورد کند. بنابراین مینا هم این روایت مشکلی ندارد زیرا روایت می گوید خشک شده است پس دیگری بولی وجود ندارد بنابراین حتی اگر لباس مرطوب باشد این مکان منجس آن نیست اگر چه خودش نجس است.

پس دلالت این تقاریب ثلاثه تمام نبود

اما از جهت سند هم این تقاریب مورد اشکال قرار گرفته است.

روایت اول که روایت 3 باب 29 بود.

يَا سَنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ

وسائل الشيعة ج : 3 ص : 452

محمد بن احمد بن يحيى از اجلا است و اشکالی در آن نیست و اما العمرکی را هم توثیق کرده اند بعدش هم علی بن جعفر است که اشکالی در آن نیست

اشکال این است که صاحب وسائل این روایت را آن طور که در منبع بوده است ذکر نکرده است. در منبع که استبصار باشد باشد در قسمتی است که شیخ طوسی هنوز سند را کامل ذکر می کرده اند در تهذیب آمده است که احمد بن محمد بن محمد بن يحيى عن محمد بن احمد بن يحيى که این پسر ایشان توثیقی ندارد.

اما روایت 2 باب 30

قبلاً گفتیم اسناد شیخ به محمد بن احمد بن عیسی مردد بین حجت و لا حجت نیست. زیرا بعضی از سندهای شیخ درست و بعضی ضعیف است.

بله ذیل این روایت فرموده است که رواه الحمیری در قرب الاسناد ... مشککش این است که عبدالله بن حسن خودش توثیق ندارد

...

اما روایت سوم:

اشکالش این است که راویان فطحیون هستند و صاحب مدارک فرموده است که این سند حجت نیست. پس این روایات که می گوید بویا پاک میشود هم اشکال سندی دارد و هم دلالی

ولی حق این است که با روایت پنج و شش این اشکالات از بین می رود.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.